

معيار نفقه زوجه^۱

قدرت الله نیازی^۲

علی رضانی^۳

چکیده

بی‌تردید بخشی از دوام و سلامت نهاد خانواده در گرو تقسیم کار و تفویض مسؤلیت است. بر اساس احکام شرعی و قوانین موضوعه، مسؤلیت تأمین هزینه‌های زندگی اعضای خانواده از جمله زوجه، به عهده زوج است. در مورد کمیت و کیفیت ارقام نفقه واجب دیدگاه‌های متفاوتی در میان صاحب‌نظران وجود دارد. علت این اختلاف، مبهم بودن ضابطه تعیین مقدار نفقه است. سؤال اساسی این است که معیار تعیین مقدار نفقه زوجه چیست؟ برخی نیاز زن به حسب زمان و مکان را معیار تعیین نفقه دانسته‌اند. مشهور فقهای امامیه، شأن زن را معیار قرار داده‌اند؛ آنان عقیده دارند در تعیین نفقه زن، باید شأن خانوادگی او را در نظر گرفت؛ هرچند فراتر از نیاز وی یا توان مالی زوج باشد. گروهی از فقهای شیعه و سنی بر این باورند که لازم است شأن زوج و زوجه باهم معیار تعیین نفقه قرار بگیرد. نگارندگان در این مقاله پس از بررسی و تحلیل آرای مختلف و دلایل هر یک به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان شأن زوج را معیار قرار داد و بر اساس آن به تأمین هزینه‌های همسر حکم کرد؛ هرچند فراتر از حد شأن او باشد. این نظریه می‌تواند در رسیدگی به دعاوی خانوادگی و حل و فصل اختلاف زوجین اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی

نفقه، شأن، معروف، تقدیر شرعی، تمکین

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۹/۱۵

۲- استادیار گروه الهیات، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسؤل)
gh.niazi@mailfa.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بوعلی سینا
alii.ramezani.2014@gmail.com

مقدمه

خانواده، پایه اولیه زندگی جمعی است و قانون‌مند بودن و سلامت آن نقش مهمی در تأمین سلامت، ثبات و تعالی جامعه دارد. لذا، در تمام ادیان به ویژه دین مقدس اسلام، به‌عنوان کانونی مقدس مورد توجه قرار گرفته است.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «مابنی فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج» هیچ بنیانی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج باشد (حر عاملی، ۱۳۹۵هـ.ج، ۱۴، ص ۲). در تمام سیستم‌های حقوقی جهان از جمله فقه اسلامی برای حراست از این بنیان و حفظ سلامت و دوام آن، مقرراتی وضع گردیده و مسؤولیت هریک از اعضای آن به دقت مشخص شده است.

یکی از اموری که ضرورت توجه به آن قابل انکار نیست، موضوع هزینه‌ها و تأمین مایحتاج اعضای خانواده است که در عرف دین از آن به «نفقه» تعبیر می‌شود. در نظام تشریح اسلامی و نیز بسیاری از نظام‌های حقوقی، تأمین نفقه افراد خانواده به عهده مرد گذاشته شده است. در آیه ۲۳۳ سوره بقره، خوراک و پوشاک مادرانی که فرزندان خود را شیر می‌دهند، به وجهی نیکو و پسندیده به عهده صاحب فرزند (پدر) گذاشته شده است و در آیه ۳۴ نساء، مردان از آن جهت که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان برتری داده است. به تبع آن در کتاب‌های تفسیری - به ویژه آیات الاحکام - و فقه و حقوق خانواده به توضیح و تفسیر نفقه پرداخته شده است؛ هرچند در این مورد صاحب نظران با سؤال مهمی مواجه شده‌اند و آن این که «معیار تعیین مقدار نفقه و کیفیت آن چیست؟». برخی معیار تعیین مقدار نفقه را نیاز زوجه یا شأن خانوادگی وی، گروهی توانایی یا شأن مرد، و گروهی شأن هر دو (زن و مرد) دانسته‌اند.

با توجه به این که بسیاری از اختلافات خانوادگی به موضوع نفقه منتهی می‌شود، این پژوهش، موضوع فوق (معیار تعیین مقدار نفقه) را با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده است و پس از طرح دیدگاه‌های مختلف و ادله آنها، برخلاف نظر مشهور فقها که شأن زن را معیار تعیین نفقه قرار داده‌اند، نگارندگان بر این باور هستند

که می‌توان شأن یا توانایی مالی مرد را معیار قرار داد. اثبات این مطلب می‌تواند در مقام رسیدگی به اختلافات خانوادگی و حل و فصل دعاوی مربوط به نفقه سودمند باشد.

بیان مسأله

پس از آن که معلوم شد پرداخت نفقه زوجه دائم، یعنی هزینه‌های روزمره آن بر زوج واجب است و با عنایت به این که مقدار هزینه‌ها از نظر کمی و کیفی نسبت به طبقه اجتماعی زن و مرد و عرف محل زندگی آنان متفاوت است، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که «معیار تعیین مقدار نفقه زوجه چیست؟». مرد براساس کدام مبنا باید نفقه همسر خود را بپردازد؟ آیا می‌توان با وضع قانون (تقدیر شرعی)، رقم ثابتی برای تمام طبقات منظور کرد؟ (یا مانند بسیاری از موارد مشابه باید به عرف محل زندگی آنان مراجعه شود؟

مفهوم‌شناسی مصطلحات

الف- نفقه

نفقه در لغت به معنای خرج، هزینه و مایحتاج معاش آمده است (راغب/اصفهانی، ۱۴۱۲هـ ص ۱۱۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۳، ص ۶۲۳؛ قرشی، ۱۴۱۲هـ ج ۷، ص ۹۷) و در اصطلاح فقه و حقوق به معنای مالی است که در تأمین هزینه‌ها مصرف می‌شود/مشکینی، ۱۴۲۸هـ ص ۵۴۴). در قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۱۰۷ (صلاحی ۱۳۸۱/۸/۹) در تعریف آن آمده است: «نفقه عبارت است از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

ب- شأن

شأن در لغت به معنای جایگاه، موقعیت، قدر و مرتبه آمده است (همخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، نیل واژه؛ خلیل ج ۱، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۳۵). منظور از آن در این باب، موقعیت اجتماعی زن به لحاظ وضع

خانوادگی، جایگاه شغلی و اوصاف شخصی مانند تحصیلات و غیره می‌باشد (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۵؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۲).

ج- معروف

شناخته شده، متعارف، آنچه که از نظر عرف و عقلا شایسته و پسندیده است. منظور از آن در اصطلاح، حد توانایی مرد است (جصاص، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۶؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۵).

د- تقدیر شرعی

تقدیر در لغت به معنای بیان مقدار و اندازه است و در اصطلاح فقها مقدار و اقلامی است که از طرف شارع و به حکم شرع معین شده است (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۳۱).

ه- تمکین

تمکین در لغت به معنای تن دادن و اطاعت کردن است و در اصطلاح فقها عبارت است از «التخلية بينها وبينه بحيث لا تخص موضعاً ولا وقتاً» (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ۳۱، ص ۳۰۴). یعنی زن، خود را در اختیار مرد قرار دهد به این معنی که هیچ مانعی بین آنها برای استمتاع مرد از زن وجود نداشته باشد، به گونه‌ای که در هر زمان و مکانی که شرعاً و عرفاً بهره‌مند شدن مرد از زن اشکال نداشته باشد، بتواند از همسر خود استمتاع کند.

علمای حقوق، از دو نوع تمکین نام برده‌اند: تمکین خاص و تمکین عام. منظور از تمکین خاص که فقها از آن به تمکین تام یا کامل تعبیر کرده‌اند، تمکین جنسی است؛ به این معنی که زن برای رابطه جنسی به معنای خاص، با شوهر خود آمادگی داشته باشد (کرجی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶) و منظور از تمکین عام این است که زن اضافه بر اجابت خواسته‌های مشروع شوهر و ایفای وظایف ناشی از زوجیت، سرپرستی و مدیریت شوهر بر خانواده و فرزندان را بپذیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۲۲).

اسباب وجوب نفقه

در فقه سه چیز به عنوان سبب وجوب نفقه شناخته شده است: زوجیت دائم، قرابت و ملک که هر کدام با وجود شرایط معتبر، باعث وجوب انفاق می‌گردد؛ با این تفاوت که وجوب انفاق در مورد قرابت و ملک یک تکلیف است که در صورت تخلف و عدم پرداخت، شخص متخلف صرفاً گناهکار محسوب می‌شود، ولی نفقه زوجه به صورت دین در عهده زوج قرار می‌گیرد و در صورت عدم پرداخت، قابل پیگیری و استیفا می‌باشد (عاملی، ۱۴۱۴هـ، ص ۱۷۷).

باید یادآوری شود که مشهور بین فقها این است که وجوب نفقه، اضافه بر دایمی بودن عقد، مشروط به تمکین کامل زوجه است. مقصود آنان از تمکین این است که در هر زمان و مکانی که شرعاً و عرفاً امکان استمتاع برای زوج وجود داشته باشد، زوجه خود را در اختیار او قرار دهد و از طرف وی مانعی بین او و اراده زوج نباشد (ابن ادریس، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۶۵۴، حلی، ۱۴۰۸هـ، ج ۲، ص ۲۹۲؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳هـ، ج ۸، ص ۴۳۹؛ عاملی، ۱۴۱۱هـ، ج ۱، ص ۴۷۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۶۴؛ سبزواری، ۱۴۲۳هـ، ج ۲، ص ۲۹۶). در این میان، ظاهر کلام بعضی از فقها این است که تمکین فعلی (تخلیه) کافی نیست؛ بلکه لازم است زوجه آمادگی خود را برای استمتاع زوج، لفظاً اعلام کند (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵؛ سبزواری، ۱۴۲۳هـ، ج ۲، ص ۲۹۶؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۲). هرچند این نظریه از دلایل کافی برخوردار نیست و مورد انتقاد فقهای بعدی قرار گرفته است. گروه دیگری از فقها بر این عقیده هستند که نفقه زوجه به عقد، واجب می‌شود و نشوز باعث سقوط آن می‌گردد (لنکرانی، ۱۴۲۰هـ، ص ۵۷۰).

نتیجه اختلاف آرای فقها در این مسأله، در مواردی مانند اختلاف زوجین در تمکین و فروعی مانند صغیر بودن زوجین یا یکی از آنها ظاهر می‌شود.

وجوب نفقه زوجه

در مورد وجوب نفقه زوجه بر زوج، در فقه اسلامی تردیدی وجود ندارد؛ بلکه این مسأله از ضروریات فقه است و کتاب و سنت و اجماع مسلمین بر آن دلالت دارد. برای نمونه به برخی از آیات اشاره می‌کنیم. قوله تعالی: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى

بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، ۳۴)؛ «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته است و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند» و قوله تعالی: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۳)؛ «به عهده صاحب فرزند (پدر) است که خوراک و لباس مادر را در حد متعارف بدهد» و قوله تعالی: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق، ۷)؛ «کسی که توانایی مالی دارد، باید از توانایی خود (برهمسر شیرده خود) انفاق نماید و کسی که تنگدست است، باید از آنچه خداوند به او عطا کرده است انفاق کند؛ خداوند هرکسی را به اندازه (امکاناتی) که به او داده است، تکلیف می‌نماید. خداوند به زودی بعد از هر سختی آسانی قرار دهد».

موضوع انفاق بر زوجه و لزوم تأمین هزینه‌های متعارف آن، در روایات فریقین بویژه اخبار منقول از اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است از جمله روایت اسحاق بن عمار «قال قلت لابي عبد الله عليه السلام «ما حق المرأة على زوجها الذي اذا فعله كان محسناً؟ قال: يشبعها ويكسوها وان جهلت غفرلها» (عاملی، ۱۳۹۶ هـ - ج ۱۵، ص ۲۲۴). «به امام صادق عليه السلام عرض کردم: حق زن بر همسرش چیست؛ آن حقی که اگر آن را ادا کند، نیکو کار محسوب می‌شود؟ فرمود: او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر دچار لغزش شد، ببخشد. در روایات متعددی در همین باب وارد شده است که اگر مرد به وظیفه خود در مورد تأمین هزینه‌های زوجه اقدام نکند، حاکم شرع وظیفه دارد آنها را از هم جدا کند و حکم طلاق زن را صادر نماید (همانجا، روایات: ۱۰۲، ۱۰۳ از باب ۱۵ از ابواب نفقات).

فلسفه پرداخت نفقه

ساختار خلقت زن و نقش و جایگاهی که در نظام خانواده دارد، ایجاب می‌کند تأمین مایحتاج او به عهده مرد باشد؛ زیرا خلقت زن متناسب با تلاش و فعالیت و انجام کارهای سخت بیرون خانه نیست که غالباً تحصیل درآمد ملازم آن است. اضافه بر این که اصولاً فعالیت زن در بیرون منزل به منظور تأمین هزینه زندگی خود که مستلزم رفت و آمد زیاد و احیاناً اختلاط با افراد نامحرم است، با پوشیدگی و تحفظ زن که بی‌تردید مورد عنایت

شارع مقدس می‌باشد، سازگار نیست.

به علاوه مهم‌ترین وظیفه او در نظام آفرینش مادری است و روشن است که مادر در دوره بارداری نمی‌تواند فعالیت سخت اقتصادی داشته باشد و باید مورد حمایت همسرش قرار بگیرد. البته طولانی بودن دوران کودکی و نیاز به حمایت درازمدت در مورد فرزند انسان، استمرار انفاق بر زن را اقتضا می‌کند.

همچنین ضرورت رضاع فرزند و تربیت وی، مانع کار و تلاش مادر می‌گردد. به همین دلیل، مناسب‌ترین فرد برای تأمین معاش، همسر، یعنی شریک زندگی زن است و لذا قرآن کریم نیز این وظیفه را به عهده مرد قرار داده و فرموده است «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۳).

بر همین اساس، محقق سبزواری می‌گوید: انفاق بر زوجه از واجبات عقلی است و اختصاص به ملت خاصی ندارد؛ بلکه در تمام ملل و جمیع ادیان و امکنه و اعصار از زمان آدم و حوا تا انقراض دنیا، ساری و جاری است؛ بلکه در عالم آخرت نیز ادامه دارد؛ زیرا در آخرت هم هزینه‌ها و مایحتاج هر زوجه‌ای از طریق زوجش به او واصل می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۵، ص ۲۸۸). لازم به یادآوری است که نادیده گرفته شدن این سنت در بعضی از جوامع امروزی زیان‌های فراوانی را متوجه آن‌ها کرده است که نیاز به توضیح ندارد.

نباید تصور شود که فلسفه یادشده در بعضی موارد مانند زوجه نابارور و زوج‌هایی که علاقه به داشتن فرزند ندارند یا فرزندان آن‌ها بزرگ شده و از حضانت آن‌ها خارج شده‌اند جریان ندارد؛ زیرا قانون‌گذار، حال غالب افراد نوع را ملاحظه می‌کند نه تمام افراد آن را.

اضافه بر این که «زن باقی ماندن زن یعنی، ماندن جمال و نشاط و غرور در زن، مستلزم آسایش بیشتر و تلاش کمتر و فراغ خاطر زیادت است؛ لذا نه تنها مصلحت زن بلکه مصلحت مرد و کانون خانوادگی نیز در این است که زن از تلاش‌های اجباری خردکننده معاف باشد» (مطهری، ۱۳۵۲، ص ۲۳۴).

جنس نفقه

از جمله مهم‌ترین مباحث در مقوله نفقه، تعیین جنس آن است و بیان این که چه اقلامی را مرد وظیفه دارد در اختیار همسر خود قرار دهد. برخی عقیده دارند بر مرد واجب است فقط اقلام ضروری که حیات انسان بر آن‌ها بستگی دارد مانند نان، گوشت، البسه و فراش مناسب تابستان و زمستان، مسکن مناسب و هزینه‌های درمانی متعارف را در اختیار زن قرار دهد؛ اما پرداخت سایر هزینه‌ها که نوعی توسعه و تفنن در زندگی محسوب می‌شود مانند هزینه‌های تفریح، تهیه لوازم آرایشی، شرکت در مهمانی‌ها، و سفرهای غیر ضروری که مستلزم هزینه‌های اضافی است، تنها یک وظیفه اخلاقی است و زن نمی‌تواند در صورت عدم پرداخت، آن‌ها را مطالبه کند (دبلمی، ۱۴۱۴ هـ. ص ۱۵۴؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷).

گروه دیگری معاشرت به معروف را توسعه داده، هزینه‌های آرایش، مسافرت، مهمانی و تفریح را نیز لازم می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ هـ. ج ۲، ص ۳۱۵). شکی نیست که سبک زندگی در بین اقوام مختلف متفاوت است و نیازهای آن مخصوصاً با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ بنابراین، در تعیین اقلام نفقه باید عرف و زمان و مکان زندگی زن و مرد ملاحظه گردد. معاشرت بمعروف نیز که به آن امر شده است، این معنا را اقتضا می‌کند.

ضابطه تعیین مقدار نفقه

پس از آن که معلوم شد نفقه زن به عهده مرد است، این سؤال مطرح می‌شود که مقدار نفقه زن بر اساس چه معیاری معین می‌گردد؟ آیا در کتاب و سنت اندازه خاصی منظور شده است و به اصطلاح «تقدیر شرعی» دارد؟ به گونه‌ای که همه مردها وظیفه دارند روزانه یا ماهیانه آن مبلغ را به همسران خود بپردازند؟ یا این که شارع تعیین مقدار آن را به توافق طرفین، حاکم یا عرف واگذار کرده است. در این مورد، بین فقهای اسلام چند قول وجود دارد که در ذیل به توضیح و تبیین آن‌ها می‌پردازیم:

۱- تقدیر شرعی وجود دارد

برخی از فقها عقیده دارند که شارع مقدار نفقه (خوراک و پوشاک و ...) زن را معین کرده است. شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌گوید: «شارع برای خوراک هر روز، یک مد که

معادل دو رطل و ربع آن می‌باشد، معین کرده است». وی سپس از شافعی نقل می‌کند: اگر زوج ثروتمند باشد، برای هر روز دو مد و اگر متوسط باشد، یک و نیم مد و چنانچه فقیر باشد، یک مد طعام باید بپردازد. «مد» در فتوای شافعی معادل یک رطل و ثلث آن است. ابوحنیفه عقیده دارد: اگر مرد غنی باشد، باید در هر ماه بین هفت الی هشت مد و در صورتی که فقیر باشد، بین چهار الی پنج مد خوراک به همسر خود پرداخت کند (کاشانی، ۱۴۰۰هـ، ج ۴، ص ۲۴؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۳هـ، ج ۲، ص ۵۴). شیخ طوسی بعد از نقل این اقوال، برای اثبات نظر خود به اجماع و اخبار امامیه استناد کرده است (طوسی، ۱۴۱۲هـ، ج ۵، ص ۱۱۲). صاحب جواهر پس از نقل کلام شیخ طوسی در خلاف می‌گوید: از اخبار امامیه فقط خبر شهاب بن عبدربه بر نظر ایشان (تقدیر) دلالت دارد که آن را باید حمل بر فضیلت و استحباب کرد. وی آنگاه نظیر تفصیل شافعی را از مبسوط (همو، ۱۳۸۷هـ، ج ۶، ص ۶) نقل می‌کند و می‌گوید: به دلیل قانع‌کننده‌ای برای این قول برخوردار نکردیم (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۱۳، ص ۳۳۱). بعضی از معتقدان به تقدیر، نفقه را با کفاره روزه یا نذر مقایسه کرده‌اند (ابن‌قدمه، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۳۱). آنان عقیده دارند معادل همان مقداری که به عنوان کفاره در افطار روزه هر روز به فقیر پرداخت می‌گردد، باید به زن به طور روزانه یا یکجا پرداخت شود. در صورتی که ممکن است ملاک این دو باب متفاوت باشد.

۲- مقدر شرعی ندارد

قول دیگری که اکثر فقهای امامیه و عامه آن را پذیرفته‌اند، این است که شارع در مورد نفقه تقدیر خاصی ندارد. این گروه در بیان معیار تعیین نفقه آرای متفاوتی ارائه کرده‌اند که از این قرار است:

الف- نیاز زن: جمع زیادی از فقیهان عامه و خاصه عقیده دارند: معیار، رفع نیاز زن است؛ یعنی مرد وظیفه دارد متناسب با عرف زمان و محل زندگی نسبت به تأمین نیازهای اساسی همسر خود مانند خوراک، پوشاک، مسکن و در صورت لزوم خدمتکار اقدام کند (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۳۷؛ ابن‌قدمه، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۳۱؛ محیی‌الدین، ج ۱۸، ص ۲۵۰؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۵۵؛ حلی، ۱۳۹۸هـ، ج ۲، ص ۲۹۳؛ سبزواری، ۱۴۲۱هـ، ص ۵۱۲؛ حلی، ۱۴۱۰هـ، ج ۴، ص ۳۰؛ عاملی، ۱۴۲۰هـ، ص ۳۴؛ شهید اول، ۱۴۱۴هـ، ج ۳، ص ۲۰۵؛ عاملی، ۱۴۰۰هـ، ج ۲، ص ۴۵؛ فقعی، ۱۴۱۸هـ، ص ۲۰۵؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۳۴؛ خوئی، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۲۸۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۳۱۵). آنان برای اثبات نظر

خود به دلایل زیر استدلال کرده‌اند:

- آیه مبارکه «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) به این بیان که مقتضای معاشرت پسندیده رفع تمام نیازهای ضروری همسر است.

- اجماع

- سیره: سیره متشرعه بلکه تمام عقلا بر این مستقر شده است که مردها باید نیازهای همسران خود را در حد شأن آنان برطرف کنند.

- ظواهر روایاتی مانند قول امام صادق علیه السلام در موثقه اسحق بن عمار: «قلت لابی عبدالله علیه السلام: ما حق المرأة علی زوجها الذی اذا فعله کان محسناً قال: یشبعها و یکسوها و ان جهلت غفر لها (عاملی، ۱۳۹۲هـ ج ۱، ص ۱۴، ح ۱) و روایت فضیل بن یسار: «عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی «وَمَنْ قَدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلْیَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ قَالَ: ان انفق علیها ما یتقیم ظهرها مع کسوة و الا فرق بینهما» (عاملی، ۱۳۹۲هـ ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۱).

ب- حد وسط بین شأن مرد و زن: بعضی از فقهای خاصه و عامه معتقد هستند چنانچه مرد و زن از یک طبقه باشند، باید نفقه را بر اساس شأن هر دو که در فرض مورد بحث مشترک است، پرداخت نماید و در صورت تفاوت، باید حد وسط شأن دوطرف منظور گردد (ابن براج، ۱۴۰۶هـ ص ۵۴). برخی از طرفداران این قول برای اثبات نظر خود چنین نوشته‌اند: «دلیل ما بر معیار بودن شأن زن و مرد (باهم) این است که در این نظر، بین دلیل طرفداران معیار بودن شأن زن و دلیل طرفداران معیار بودن شأن مرد جمع گردیده و جانب هر دو نظر رعایت شده است» (ابن قدامه، بی تا، ج ۹، ص ۲۳؛ عبد الرحمن بن قدامه، بی تا، ج ۹، ص ۲۳۱).

ج- شأن و توانایی مرد: قول دیگر در بیان معیار تعیین مقدار نفقه زن، ملاحظه توانایی مالی مرد است. بر اساس این قول، شوهر باید به حسب توانایی مالی خود نفقه همسر خود را پرداخت نماید و در این مورد، بالاتر یا پایین‌تر بودن شأن زن دخالتی در مسأله ندارد. برخی از فقها این نظر را پسندیده و آن را اختیار کرده‌اند.

شیخ طوسی می‌گوید: نفقة الزوجات معتبرة بحال الزوج لا بحالها؛ «ملاک نفقه همسران، حال و توانایی مرد است نه شأن زنان» (طوسی، ۱۳۸۷هـ ج ۶، ص ۶). مبسوط عین این عبارت را از

ابن جنید نیز نقل کرده است (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ هـ، ص ۲۶۵).

راوندی ذیل آیه مبارکه: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره، ۲۳۳) می‌گوید: زوج وظیفه ندارد بیش از حد توان خود نفقه بپردازد؛ زیرا مراد از وسع در آیه مبارکه، مقدار توان مرد است و نمی‌توان او را به خاطر نفقه در حرج و تنگنا قرار داد (راوندی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲، ص ۱۲۰).

صاحب انوار اللوامع، در شرح مفتاح ۶۱۲ از مفاتیح الشرایع فیض کاشانی می‌گوید: «یحتمل اعتبار حال الزوج مطلقاً لقوله تعالى: يُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ» (طلاق، ۷). سپس در تأیید این احتمال می‌گوید: این قول مطابق حکمت و جداً قوی است (بحرانی، ج ۱، ص ۱۵). در زیده البیان نیز پس از ذکر آیه فوق می‌گوید: این آیه بر کیفیت انفاق بر زوجه دلالت دارد؛ به این بیان که مرد متمول باید متناسب با شأن خود انفاق کند و کسی که تنگدست است، باید از آنچه که خداوند به او ارزانی داشته است، انفاق نماید و مکلف به تکلیف اغنیا نیست و نیز نباید کمتر از حد لایق خود انفاق کند. وی در ادامه می‌گوید: آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِثْمًا مَّا آتَاهَا» (طلاق، ۷) اشاره و دلیل خوبی بر این مطلب است (اردبیلی، ج ۱، ص ۵۴). صاحب کنزالعرفان از معاصر خود ابن متوج بحرانی همین قول را نقل کرده و البته خودش آن را نپذیرفته است (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ هـ، ج ۲، ص ۲۲۰). در بین فقهای اهل سنت نیز افرادی مانند شافعی (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۲۰) و ابوالبرکات بغدادی (عبدالرحمن بن قدامه، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۹) حال مرد را میزان قرار داده‌اند.

در قوانین بعضی از کشورهای اسلامی نیز در باب نفقه، شأن زوج لحاظ شده است. مثلاً در ماده ۲۵ قانون مدنی مصر که در سال ۱۹۲۵ تصویب شده، آمده است: «تقدر نفقة الزوجة على زوجها بحسب حال الزوج يسراً و عسراً مهما كانت حال الزوجة» یعنی، نفقه زوجه که بر شوهر وی واجب است، به ملاحظه حال زوج از نظر فقر و غنا معین می‌گردد و وضعیت زوجه هر چه باشد، در آن دخالتی ندارد (مغنیه، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲، ص ۲۹۲). همچنین در ماده ۷۶ احوال شخصیه کشور سوریه، توانایی زوج میزان قرار گرفته است (صفایی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۶۶).

بعضی از دانشمندان حقوق ایران نیز در این باره آورده‌اند: «در ماده ۱۱۰۷ ملاک

تعیین نفقه تنها وضع زن قرار داده شده است؛ ولی به نظر می‌رسد که موقعیت مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد؛ زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده تشکیل می‌دهند و جدا از هم نیستند. بنابراین، اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند، حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۸). برای اثبات این قول می‌توانیم به دلایل زیر استدلال کنیم:

- آیه ۷ سوره مبارکه طلاق: «کسی که توانایی مالی دارد، باید در حد توانایی خود (برهمسر شیرده خود) انفاق کند و کسی که تنگدست است، باید از آنچه خداوند به او عطا کرده است، انفاق کند؛ خداوند هیچ کس را بیش از آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند. خداوند به زودی بعد از هر سختی آسانی قرار دهد».

از صدر آیه استفاده می‌شود که مرد متمکن باید متناسب با تمکن مالی خود به همسرش انفاق کند و لو شأن یا نیاز زن در آن حد نباشد. کما این که ذیل آیه دلالت دارد بر این که اگر مرد تنگدست باشد، در حد امکاناتی که خداوند در اختیار وی قرار داده است، تکلیف به انفاق دارد؛ زیرا اگر شأن زن ملاحظه شود، چه بسا در بعضی موارد، مستلزم تکلیف به مالایطاق است که با حکمت و عدالت شارع سازگار نیست.

- آیه ۶ سوره مبارکه طلاق: «آن‌ها را در هر جا که خود سکونت دارید و در توان شماست، سکونت دهید». این آیه به روشنی دلالت دارد بر این که میزان در تعیین محل سکونت زن، شأن و توانایی مرد است، نه کمتر از آن و نه بیشتر؛ بنابراین، تفصیل بعضی از فقها مبنی بر این که معیار در مآکل و ملبس، شأن زن است، ولی مسکن باید در شأن مرد باشد، بدون دلیل و فاقد وجه قابل قبول است.

- اعتبار عقلایی: عرف و عقل حکم می‌کند بر این که اگر مرد، متمکن باشد، باید در حد شأن خود نیازمندی‌های همسرش را فراهم کند و اگر ناتوان باشد، زن را به شکیبایی دعوت می‌کنند و مرد را به چیزی که توان آن را ندارد، ملزم نمی‌دانند. این که برخی از فقها (سبزواری، ۱۴۱۴ هـ ج ۲۵، ص ۳۰۲) فرموده‌اند: فی‌المثل اگر مرد تاجری زنش اهل کوخ و کپر باشد، مرد فقط در حد شأن او لازم است، انفاق کند و می‌تواند او را در سیاه‌چادر یا کپر یا امثال آن اسکان دهد، خلاف معاشرت بمعروف است و عرفاً ناعادلانه و نادرست است.

اضافه بر این که وقتی زنی با مردِ برخوردار از دواج می‌کند، توقع دارد از امکانات مادی همسرش استفاده نماید و چه بسا این موضوع در پذیرش ازدواج با این مرد نقش اساسی داشته باشد.

اما در مورد ادله‌ای که معتقدان به قول دوم، یعنی کسانی که معیار را شأن زن می‌دانند، به آن‌ها استدلال کرده‌اند، می‌توانیم بگوییم: روایتی که مربوط به هند زوجه ابوسفیان بود که پیامبر ﷺ اجازه فرمود به اندازه نیاز خود و فرزندش از مال همسر خود بردارد، اولاً: این روایت در منابع عامه آمده و اعتبار آن قابل مناقشه است. ثانیاً: چون این تصرف از باب تقاص بود و در واقع هند می‌خواست مقدار استحقاق خود را مستقیماً بدون اذن، از مال شوهرش بردارد، به قدر متیقن اکتفا شده است؛ و اما روایت ربیع بن عبدالله و جمیل، در مقام بیان نفقه‌ای هستند که اگر پرداخت نشود، زن حق تقاضای طلاق دارد. بلی روایت اسحاق بن عمار به ظاهر بر قول دوم دلالت دارد، الا این که در این روایت هم امام فرموده است: «یشبع بطنها و یکسو جثتها» و این کلام با قول به معیار بودن توانایی مرد منافاتی ندارد؛ زیرا طرفداران این قول می‌گویند: سیر کردن شکم و پوشاندن تن باید متناسب با شأن و توانایی مالی مرد باشد؛ در پاسخ به استدلال به سیره هم می‌گوییم: وجود سیره امضا شده در این مورد، اول کلام است؛ بلکه می‌توانیم بگوییم سیره بر ملاحظه شأن مرد جاری شده است.

یافته‌های پژوهش

هرچند بر اساس فتوای مشهور فقهای امامیه و اهل سنت و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران «شأن زوجه» معیار تعیین نفقه زن شناخته شده است؛ لکن با توجه به آیات ۶ و ۷ سوره طلاق و استمداد از فتاوی برخی از فقهای متقدم شیعه و اهل سنت و قوانین موضوعه بعضی از کشورهای اسلامی می‌توان شأن مرد و موقعیت اجتماعی وی را میزان تعیین نفقه زوجه قرارداد و بر این اساس به دعاوی مالی مورد اختلاف بین خانواده‌ها رسیدگی کرد. بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱- ضابطه و مبنا در پرداخت نفقه زوجه توانایی و شأن مرد است.

۲- ارقام نفقه منحصر به اشیائی که حیات زن متوقف بر آنهاست، نمی‌شود؛ بلکه حسب به عرف زمان و مکان و توان مالی مرد مشخص می‌گردد.

با توجه به نتایج فوق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- پیشنهادهای نظری:

الف- با توجه به اهمیت بحث، شایسته است فلسفه و مبانی وجوب نفقه بر مرد با دقت

بیشتری مورد بررسی قرار بگیرد.

ب- قلمرو مفهوم نفقه با توجه به متعارف زمان حاضر معین گردد.

ج- ویژگی‌ها و حدود «معاشرت بمعروف» که قرآن به آن امر کرده است، تحقیق و

بررسی شود.

۲- پیشنهاد کاربردی

با توجه به این که یکی از مهم‌ترین عوامل اختلافات خانوادگی، موضوع چگونگی و

مقدار نفقه است و با عنایت به ادله ذکر شده در این پژوهش و مقتضای عدل و انصاف،

در بازنگری قوانین مربوط به نفقه «توانایی مرد» مورد توجه و معیار قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن ادريس، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ۱۴۱۰هـ، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم

ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، *المهذب*، ۱۴۰۶هـ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، *فتاوی ابن الجنید*، ۱۴۱۶هـ، تحقیق علی پناه اشتهاردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول

ابن رشد، محمد، *بدایه المجتهد ونهایه المقتصد*، ۱۴۰۳هـ، بیروت، دارالمعرفه، چاپ هفتم
ابن قدامه، عبدالرحمن، *الشرح الكبير*، بی تا، بیروت، دارالکتب العربی
ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المغنی*، بی تا، بیروت، دارالکتب الاسلامیه
اردبیلی، احمد بن محمد، *زبده البیان فی تفسیر آیات الاحکام*، بی تا، تهران، المکتب المرتضویه، چاپ اول

اصفهانى، حسین بن محمد راغب، *مفردات الفاظ القرآن*، ۱۴۱۲هـ، لبنان، دارالعلم، چاپ اول
بحرانی، حسین، *الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع*، بی تا، قم، مجمع البحوث العلمیه، چاپ اول

حلی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ۱۳۹۸هـ، تهران، منشورات الاعلمی، چاپ اول

حلی، حسن بن یوسف، *ارشاد الازهان الی احکام الایمان*، ۱۴۲۰هـ، قم، مؤسسه امام صادق، چاپ اول

_____ *تحریر الاحکام الشرعیه*، ۱۴۱۰هـ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
خلیل، جر، *فرهنگ لاروس*، ۱۳۷۷، ترجمه سیدحمید طبیبیان، تهران، امیر کبیر، چاپ اول
خوئی، سیدابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، ۱۴۱۰هـ، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هفتم
دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، ۱۳۷۷، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم

- دیلمی، سلار بن عبدالعزیز، *المراسم العلویه والاحکام النبویه فی الفقه الامامی*، ۱۴۰۴هـ
قم، منشورات الحرمین، چاپ اول
- راوندی، سعید بن عبدالله، *فقه القرآن*، ۱۴۰۵هـ، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، چاپ دوم
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۱۴۱۴هـ، بیروت، دارالفکر
للطباعة و النشر و التوضیح، چاپ اول
- سبحانی، جعفر، *نظام النکاح فی الشریعه الإسلامیه الغراء*، بی تا، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام،
چاپ اول
- سبزواری، سید عبدالاعلی، *مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، ۱۴۱۳هـ، قم، المنار،
چاپ چهارم
- سبزواری، علی مؤمن، *جامع الخلاف و الوفاق بین الامامی و بین ائمه الحجاز و العراق*،
۱۴۲۱هـ، قم، زمینه سازان ظهور، چاپ اول
- سبزواری، محمد باقر، *کفایه الأحکام*، ۱۴۲۳هـ، قم، اسلامیة، چاپ اول
- سیوری، مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ۱۴۲۵هـ، قم، انتشارت مرتضوی،
چاپ اول
- صفائی، سید حسین و سید اسدالله امامی، *حقوق خانواده*، ۱۳۸۰، تهران، انتشارات
دانشگاه تهران، چاپ هشتم
- طباطبایی، سیدعلی، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*، ۱۴۱۸هـ، قم، مؤسسه
آل البیت، چاپ اول
- طوسی، محمد بن حسن، *مسائل الخلاف*، ۱۴۱۲هـ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- _____، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ۱۳۸۷، المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه،
تهران، چاپ سوم
- عاملی، علی بن احمد شامی (شهید ثانی)، *مسائلک الأفهام الی شرح شرایع الإسلام*، ۱۴۱۳هـ
قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول
- عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ۱۳۹۲هـ، تهران،
مکتبه الاسلامیه، چاپ دوم

- عاملی، محمد بن مکی، *القواعد والفوائد*، ۱۴۰۰ هـ، قم، کتابفروشی مفید، چاپ اول
- _____، *غایه المراد فی شرح الارشاد*، ۱۴۱۴ هـ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- عاملی، محمد بن علی، *غایه المرام فی شرح مختصر شرایع الإسلام*، ۱۴۱۱ هـ، قم، چاپ اول
- فاضل هندی، محمدحسن، *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، ۱۴۱۶ هـ، قم، انتشارات اسلامی، چاپ اول
- فقعانی، علی بن طی، *الدر المنضود فی صیغ النیات و الایقات و العقود*، ۱۴۱۸ هـ، قم، مکتبه الامام العصرالعلمیه، چاپ اول
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، ۱۴۱۲ هـ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم
- کاشانی، ابوبکر بن مسعود، *بدایع الصنائع*، ۱۴۰۰، پاکستان، المکتبه الحبیبه، چاپ اول
- کاشف الغطا، *تحریرالمجله*، ۱۳۵۹، نجف، المکتبه المرتضویه، چاپ اول
- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی*، ۱۳۸۵، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم
- گرگی، ابوالقاسم، *آیات الاحکام*، ۱۳۸۰، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- محمی الدین، یحیی بن شرف، *المجموع فی شرح المهذب*، ۱۴۰۲ هـ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم
- مشکینی، علی، *مصطلحات الفقه*، ۱۴۲۸ هـ، قم، مؤسسه الهادی، چاپ چهارم
- مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، ۱۳۵۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول
- مغنیه، محمد جواد، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، ۱۴۲۱ هـ، بیروت، دارالتیاری جدید، چاپ دهم
- مفید، محمد بن محمد، *احکام النساء*، ۱۴۱۳ هـ، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ۱۳۵۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم
- موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، ۱۳۹۰، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم
- نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام*، ۱۴۰۴ هـ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم